

سنجش و تحلیل برخی مؤلفه‌های فرهنگی توسعه در شهرستان‌های استان بوشهر با بهره‌گیری از مدل‌های ترکیبی تصمیم‌گیری چند شاخصه

یعقوب زارعی*، علیرضا استعلاجی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۷/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۹/۱۲

چکیده

در عصر حاضر شاخص‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان توسعه جوامع مطرح می‌باشند که ضمن برخورداری از جایگاه ویژه در برنامه‌ریزی ملی، بستر رشد اقتصادی و توسعه سرزمینی را نیز مهیا می‌سازند. با عنایت به اهمیت بنیادین فرهنگ و نقش آن به‌عنوان کلیدی‌ترین عنصر تحولات اجتماعی در جهان امروزی، این پژوهش درصدد است تا جهت تبیین کمی توسعه فرهنگی در شهرستان‌های استان بوشهر، ۲۴ مؤلفه اساسی فرهنگی را مورد استفاده و بررسی قرار دهد. این مطالعه با تکیه بر منابع اسنادی و بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و مدل‌های تاپسیس، وایکور و ساو، سعی دارد با روشی توصیفی-تحلیلی، داده‌های موجود را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی، شکاف عمیقی بین شهرستان‌های استان بوشهر وجود دارد. به‌طوری‌که از یک‌سو شهرستان‌های بوشهر و دشتستان از نظر برخورداری فاصله زیادی با سایر شهرستان‌ها داشته و در سطح بالایی از توسعه قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر شهرستان‌های جم و دیلم در زمره مناطق محروم از توسعه جای گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد دستیابی به توسعه فرهنگی مطلوب در مناطق کمتر توسعه‌یافته، محروم و بسیار محروم، مستلزم توجه خاص به شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی مناطق، بازنگری در وضعیت موجود و برنامه‌ریزی فضایی جهت افزایش کمی و کیفی منابع در شهرستان‌های استان است. چراکه آمایش فرهنگی جز در سایه تمرکززدایی، به‌کارگیری ظرفیت‌های جدید، سیاست‌گذاری‌های نوین فرهنگی- اجتماعی و اتخاذ راهبرد عدالت اجتماعی در تخصیص هدفمند خدمات میسر نخواهد گردید.

واژگان کلیدی

مؤلفه‌های فرهنگی، توسعه، تصمیم‌گیری چند شاخصه، بوشهر

* دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

yaghoub.zarei@yahoo.com

** استاد جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهری، تهران، ایران.

مقدمه

توسعه و توسعه فرهنگی مفاهیم بسیار مهمی هستند که در دوره‌های اخیر از جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی ملی برخوردار بوده‌اند. به طوری که هیچ تحولی بدون توسعه و تکامل فرهنگی مطلوب و مقدور نیست (قدمی و آفتاب‌آذری، ۱۳۸۹: ۱۲۴). از پایان جنگ جهانی دوم به این سو، توسعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در محافل دانشگاهی و برنامه‌ریزی کشوری مطرح بوده است، به نحوی که در دهه پایان قرن بیستم، اغلب کشورها به بازنگری وضعیت خود در این باره پرداخته‌اند (عطافر و آقای، ۱۳۹۱: ۱۱۲). در این میان در دهه ۱۹۷۰ نیز در کشورهای اروپایی مفاهیم و واژه توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی مصطلح گردید و بعد از کنفرانس یونسکو در ونیز^۱، مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی برای توسعه فرهنگی مطرح و بی‌توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی را شکست توسعه و فرایند توسعه را تحول فرهنگی قلمداد کردند (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۱).

با توجه به اهمیت بنیادین فرهنگ و نقش آن در جهان امروز و تأکید صاحب‌نظران و سازمان‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر و همچنین با توجه به خلأهای اخلاقی و فرهنگی موجود، توسعه فرهنگی در دنیای کنونی ضروری و گریزناپذیر به نظر می‌رسد. به طوری که سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، دهه پایانی قرن بیستم را دهه فرهنگ نامید و مقرر نمود که باید کشورهای عضو، طی این دهه در پیشرفت و اعتلای فرهنگ بکوشند و چنین وظیفه‌ای را بر عهده دولت و کمیسیون‌های ملی یونسکو در هر کشور نهاد. امروزه رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار، دغدغه اصلی کشورها و دولت‌هایشان است و از آنجاکه انسان موجودی فرهنگی است، زیربنای توسعه حقیقی و پایدار، بی‌شک دستیابی به توسعه فرهنگی است (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲). در همین راستا پرداختن به فضاهای فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه فرهنگی بسیار ضروری و حائز اهمیت به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر آنچه اهمیت پژوهش را دوچندان می‌نماید، محدودیت منابع و ضرورت توجه به توزیع متعادل و بهینه امکانات و خدمات بین سکونتگاه‌های مختلف است که تحقق این امر نیازمند شناسایی سکونتگاه‌های مختلف از نظر برخورداری آن‌ها از امکانات و خدمات گوناگون است تا از این طریق نقاط محروم و توسعه‌یافته مشخص شده و برنامه‌ریزان بتوانند برای تعادل فضایی و کاهش فاصله بهره‌مندی بین مناطق اقدام کنند (محمدی و ایزدی، ۱۳۹۲: ۹۰). بر همین مبنا تردیدی نیست که دستیابی به توسعه در هر سطح و با هر هدفی نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است؛ بنابراین برای انجام برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تدوین راهکارهای توسعه، موفقیت در برنامه‌ریزی و طرح‌های اجرایی، بررسی و شناخت توان‌ها، کمبودها و تعیین سطح توسعه‌یافتگی نواحی و سکونتگاه‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد (تقوایی و نوروزی آوراگانی، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۰).

با عنایت به مطالب فوق و همچنین مغفول ماندن برخی زوایای توسعه فرهنگی (به‌ویژه در مناطق استانی) از دید محققان و پژوهشگران، خلأ موجود در اندک بررسی‌های صورت پذیرفته (قرار گرفتن مناطق مرکزی در کانون توجه و پرداخت کمتر به مناطق پیرامونی) و ضرورت توجه به جایگاه ویژه مناطق استانی در ساختار کلان فرهنگی و اجتماعی کشور، پژوهش حاضر تلاش نموده است تا در قالب یک مطالعه موردی و باهدف سنجش برخی مؤلفه‌های فرهنگی توسعه در شهرستان‌های استان بوشهر، به ارائه سیمایی جامع از توسعه فرهنگی این استان بپردازد.

سابقه پژوهش

نویسنده‌ای فرهنگ را یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه می‌داند و بر این است که توسعه فرهنگی هم یکی از پیش‌شرط‌های بنیادی تحقق توسعه و یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه به شمار می‌آید (بابایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۰). در مقاله دیگری نویسندگان معتقد هستند تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی باعث تمرکز امکانات و فضاهای فرهنگی در برخی از مناطق می‌شود و تعداد بسیار زیادی از مناطق دیگر از امکانات و فضاهای فرهنگی محروم می‌شوند و این بدان معناست که از پتانسیل‌های موجود آن‌ها نیز استفاده نمی‌شود (مشکینی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۹). در پژوهشی نیز با عنوان ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰، نویسندگان بر مبنای شاخص‌های فرهنگی با تکیه بر تکنیک تاکسونومی عددی نشان می‌دهد که طی این دو دوره شهرستان‌های اردکان و بهاباد برخوردارترین مناطق و شهرستان‌های طیس و یزد در زمره غیر برخوردارترین شهرستان‌ها شناخته قرار داشته‌اند (منظرالحجه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۷). در بررسی نحوه برخورداری شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد از لحاظ مؤلفه‌های فرهنگی با استفاده از تکنیک چند شاخصه ELECTREE، نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان کهگیلویه

و بویراحمد به صورت متوازن توزیع نشده و اختلاف فاحشی بین شهرستان‌ها از نظر خدمات فرهنگی ملاحظه می‌شود (سرای و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهشی که بر اساس مدل‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس انجام شد، توسعه فرهنگی در استان هرمزگان مورد سنجش قرار گرفت و نتایج نشان داد نابرابری فاحش میان شهرستان‌های استان از نظر درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی وجود دارد (حسینی و احمدی، ۱۳۹۴). در مقاله دیگری که باهدف سطح‌بندی شهرستان‌های استان خوزستان از بعد توسعه فرهنگی انجام گردید، نتایج نشان داد بین شهرستان‌های استان خوزستان، از نظر بهره‌مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشم‌گیری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که شهرستان اهواز با بیشترین امتیاز، بالاترین رتبه از نظر شاخص‌های توسعه فرهنگی را دارا است (صفایی‌پور و شنبه‌پور مادوان، ۱۳۹۵: ۷) و در تعیین و تحلیل سطح توسعه فرهنگی و نابرابری ناحیه‌ای شهرستان‌های استان کرمانشاه با استفاده از مدل آنتروپی-ویکور، نتایج نشان داد تنها شهرستان کرمانشاه در سطح توسعه‌یافته و رتبه اول قرار دارد و نابرابری‌های فضایی فرهنگی، در سطح استان بسیار بالا است و تناسب چندانی با عدالت اجتماعی ندارد (ویسیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

درباره جایگاه فرهنگ در فرایند توسعه نظریات متعددی وجود دارد که تحت سه عنوان: رویکرد تراوشگری، رویکرد توسعه خودمحور و رویکرد توسعه درون‌زا قرار می‌گیرند (یونسکو^۱، ۱۹۹۴). در مقاله‌ای نویسنده از رویکرد مجموعه فرهنگی و تأثیرات اقتصادی، فضایی و شرایط محیطی بر سیاست‌گذاری فرهنگی نام می‌برد و معتقد است این رویکرد به دنبال برقراری پیوندی پایدار میان ارزش‌های فرهنگی و زیرساخت‌های دامنه شهری است (موماس^۲، ۲۰۰۴) به عقیده پژوهشگری، هوشیاری و خلاقیت مردم یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های ارزیابی شهری است که در میزان کمک افراد به پروژه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی برای کسب نتیجه و ارتقای هرچه بیشتر آن‌ها تجلی می‌یابد (واربانوا^۳، ۲۰۰۷) و شهرهایی با انتظارات جهانی، ضمن تشخیص نیاز به انباشت سرمایه فرهنگی اقدام به ایجاد فضاها و فرهنگی جدیدی همچون کتابخانه‌ها و تئاترهای بزرگ نموده‌اند (کانگ^۴، ۲۰۰۷).

مبانی نظری

بحث درباره توسعه فرهنگی از دیرباز در جهان سابقه داشته است ولی بررسی آن با دیدگاه‌های جدید در این اواخر رواج یافته است. نخستین بار در یونسکو بحث فرهنگ و توسعه مطرح شد. با اعلام اندیشه توسعه فرهنگی در سال ۱۹۵۰، دهه ۶۰-۱۹۵۰ به دهه اول توسعه شهرت یافت (زیاری، ۱۳۷۹). در سال ۱۹۷۰، نخستین کنفرانس در زمینه فرهنگ در ونیز برگزار شد و از این کنفرانس به بعد به مقوله‌های فرهنگ، توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، اقتصاد فرهنگی و پژوهش فرهنگی پرداختند (همان منبع به نقل از ستاری، ۱۳۵۴). پس از آن نیز در کنفرانس ۱۹۸۲ مکزیکوسیتی^۵، مفاهیم فرهنگ و توسعه تشریح و توصیف گردید و بی‌توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی را شکست توسعه و فرایند توسعه را تحول فرهنگی قلمداد کردند. اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی موجب گردید تا بارها بر پس از آن نیز در گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی، فائو و گزارش‌های سالانه سازمان ملل تأکید گردد (همان منبع). تاکنون نظریه‌های مختلفی پیرامون فرهنگ و توسعه فرهنگی مطرح گردیده که بنا به اهداف و مقتضیات پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. آندره مالرو^۶ توسعه فرهنگی را همگانی کردن فرهنگ و از بین بردن نابرابری‌های فرهنگی که ریشه در مقتضیات اقتصادی و اجتماعی مردم دارد، ذکر می‌کند (زیاری، ۱۳۷۹ به نقل از کاظمی، ۱۳۷۴).

۲. امیل دورکیم^۷ معتقد است که فرهنگ عامل وحدت اجتماعی یا همبستگی اجتماعی است؛ لذا بر مبنای او اختلاف و کشمکش یا تداوم محرومیت‌های اجتماعی را نمی‌توان به حساب نقش فرهنگ گذاشت. وی دو نوع همبستگی را با توجه به ساده و صنعتی بودن جامعه از همدیگر متمایز می‌کند و قائل است که در جامعه ساده همبستگی مکانیکی (همبستگی ناشی از همانندی) رواج دارد و در جامعه صنعتی همبستگی ارگانیکی (همبستگی ناشی از تفاوت‌ها). در جوامع ساده، مردم به هم شبیه‌ترند و وظایف یکسانی را انجام داده و حداقل تفاوت‌های فردی وجود دارد که نتیجه این وضع، همبستگی مکانیکی است که در چنین همبستگی شباهت در اندیشیدن دارند و به همین دلیل انعطاف کمتری دارند و گرایش به سختی و خشونت در آن‌ها بیشتر است و در این جامعه گذشت و اغماض چندانی

1 Unesco
2 Mommas
3 Varbnova
4 Kong
5 Mexico
6 Malrau
7 Emile Durkheim

برای انحراف وجود نداشته و هنجار حاکم هم‌رنگی با جماعت است؛ اما در جوامع صنعتی برعکس بوده و همبستگی نه از همانندی افراد جامعه بلکه از تفاوت‌هایشان پرورش می‌یابد. دورکیم نقش پررنگی را برای فرهنگ در جهت ایجاد ثبات اجتماعی و همچنین تعامل اجتماعی قائل بود. از نظر وی جامعه تا حد زیادی یک پدیده اخلاقی است و احساس همبستگی، گرد هم آورنده اجزا آن است و جامعه را سر پا نگه می‌دارد (اسمیت^۱، ۱۳۸۷).

۳. ماکس وبر^۲ نیز همچون دورکیم بر نقش بااهمیت دین در فرهنگ تأکید داشته و دین را به‌عنوان بعد محوری فرهنگ قلمداد می‌کند. با این تفاوت که «وبر» بر محتوای ذهنی نظام‌های تجریدی ایمانی و اعتقادی تأکید بیشتری دارد، درحالی‌که دورکیم به عواطف غریزی و درونی انسان تقدم می‌دهد. تفاوت قابل‌ملاحظه دیگر میان این دو در نگرش به نقش دین در جوامع معاصر است. دورکیم به‌وضوح عقیده دارد که پیوندهای معنوی و اهداف قدسی دارای اهمیت حیاتی در جهان امروزند اما وبر از این ایده دفاع می‌کند که با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می‌رود و توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است و کنش مبتنی بر هدف (صنعتی شدن) که به عقیده او کلید اصلی مدرنیسم و صنعتی شدن است، کم‌کم جایگزین کنش مبتنی بر ارزش می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۷). مهم‌ترین عاملی که ارتباطی بین وبر و نظریه فرهنگی برقرار می‌کند درک او از کنش انسانی است. وی معتقد بود که به عاملان انسانی باید به چشم فاعلانی مختار نگریسته شود که معنا آن‌ها را به حرکت درمی‌آورد و تحلیل‌گران بایستی بکوشند انگیزه یا نیت ذهنی نهفته در پس یک کنش را برملا سازند. وبر دو الگوی متعارض را با توجه به آن انگیزه نهفته، برای کنش‌های انسانی موردتوجه قرار می‌دهد: یکی کنش مبتنی بر ارزش که محرک آن باورها و اهداف فرهنگی مانند دستیابی به رستگاری است و دیگری کنش معطوف به هدف که همان کنش سوداگری است که فاعل در آن درصدد کسب منفعت بوده و هدفی روشن را در نظر گرفته و همه وسایل را برای رسیدن به آن به کار می‌گیرد. در این نوع کنش اثری از دستوره‌های والای معنوی و اهداف فرهنگی به چشم نمی‌خورد (ریمون^۳، ۱۳۸۷).

۴. کارل مارکس^۴ فرهنگ را ساخته و پرداخته کنش‌ها و کردارهای طبقات بالای اجتماعی می‌داند. به‌طوری‌که اساساً در جامعه صنعتی، فرهنگ همچون ایدئولوژی حاکم عمل کرده و کار ویژه اصلی آن، توجیه منافع آن طبقات و بازتاب دیدگاه‌ها و مشروعیت بخشی به اقتدار آن‌ها است. از دیدگاه مارکسیستی فرهنگ خود محصول ایدئولوژی است و فهم مارکسیسم از فرهنگ مدرن و توده‌ای برحسب و یا در چارچوب مفهوم ایدئولوژی صورت می‌گیرد و به دیگر سخن، روشن‌فکران طبقه حاکم، طبق دیدگاه مارکسیسم، در هر عصری اندیشه‌های مسلط را تولید و عرضه می‌کنند و همین اندیشه‌ها از ابزارهای عمده تسلط طبقه حاکم بر طبقات زیر سلطه به شمار می‌رود. ایدئولوژی و فرهنگ نیز در مقابل زیربنای اقتصادی، روبنا محسوب می‌شوند. پس لازمه فهم فرهنگ، فهم منافع طبقه حاکم و نهایتاً فهم روابط تولیدی و زیربنای اقتصادی است. این نوع نگاه مارکسیسم به فرهنگ، آن را به چشم پدیده‌ای روبنایی و ثانویه نسبت به اقتصاد نگریستن و فرهنگ را بی‌اهمیت و وابسته به اقتصاد دانستن، ریشه در آن ایده مارکسیستی دارد که کار و فعالیت تولیدی (کنش معطوف به هدف) را عامل عینیت‌بخش و متحقق‌کننده ذات و انسانیت انسان می‌داند (صالحی امیری، ۱۳۸۶).

۵. جورج زیمل^۵ از اولین جامعه‌شناسانی است که به مطالعات فرهنگی و زندگی روزمره پرداخته است. فرهنگ از نظر زیمل به معنای پرورش و فرهیختن کل شخصیت است. زیمل فرهنگ را در دو بعد ذهنی و عینی بررسی می‌کند: فرهنگ ذهنی یا روح، باقی‌مانده سطح پرورش افراد و هدف تمام فرایندهای فرهنگی است و فرهنگ عینی که نشان‌دهنده قلمرو بیرونی و متشکل از چیزهای فرهیخته و پرورش‌یافته است. از نظر وی فرهنگ عینی اشیایی است که یک فرهنگ تولید کرده و فرد بر آن تأثیری ندارد (همان منبع). زیمل به دلیل وجود تضادهای درونی جامعه مدرن و مدرنیته به بحث فرهنگ پرداخته و از نظر او جامعه مدرن به بحران، تضاد و تراژدی فرهنگ دچار خواهد شد؛ زیرا در آینده کالاهای فرهنگی و فرهنگ مادی و عینی بیشتر از نیاز مصرف فرهنگ یا فرهنگ ذهنی تولید خواهد شد. از نظر زیمل، تراژدی فرهنگ همانا تضاد میان فرهنگ مادی و معنوی است. تراژدی فرهنگ یعنی فاصله گرفتن فرهنگ مادی از فرهنگ ذهنی. فرهنگ مادی که شامل کالاهای تولیدشده است، می‌تواند جدا از فرهنگ معنوی باقی‌مانده و بر زندگی بشر بدون هیچ معنایی سیطره یابد. توسعه بی‌حد فرهنگ که به تولید کالا می‌انجامد با عدم توسعه‌یافتگی فرهنگ ذهنی در تعارض قرار دارد (مهری، ۱۳۸۶).

1 Smith
2 Max Weber
3 Raymon
4 Karol Marx
5 Georg Simmel

۶. تالکت پارسونز^۱ در نظریه سیستمی خود، ساختار جامعه، نقش فرهنگ در حفظ این ساختار و روابط فی‌مابین مؤلفه‌های گوناگون نظام اجتماعی را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. پارسونز با ارائه نظریه خود در باب سیستم، آشکارا بر نقش حیاتی فرهنگ در نظریه سیستم اجتماعی تأکید دارد. وی با تئوریزه کردن فرهنگ به منزله حوزه یا نظامی مستقل، نهادهای فرهنگی و اجتماعی را از همدیگر متمایز کرده و ضمن اعتقاد به استقلال فرهنگ از جامعه به لحاظ تجربی، معتقد است سیستم ارزشی مشترک، پیش‌فرض‌های لازم برای انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورد. او معتقد است که نظام فرهنگی به مردم اجازه می‌دهد که با یکدیگر رابطه برقرار نمایند و کنش‌های خود را هماهنگ کنند (صالحی امیری، ۱۳۸۶).

۷. پیروان نظریه نوگرایی سهم فرهنگ را در خلق ارزش‌های جدید مؤثر می‌دانند و معتقدند که یک اجتماع هرگز به توسعه نمی‌رسد مگر این‌که اکثریت افراد آن اجتماع ارزش‌های جدید را بپذیرند. پیروان نظریه سرمایه انسانی نیز معتقدند که توسعه ملی در توسعه انسانی نهفته است و فرهنگ یک سرمایه‌گذاری تولیدی است (مسعودیان، ۱۳۷۲).

در مجموع می‌توان ایراد داشت که توسعه و توسعه فرهنگی مفاهیم بسیار مهمی هستند که در دوره‌های اخیر از جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های ملی برخوردار بوده‌اند و به جرأت می‌توان گفت هیچ توسعه و تکاملی بدون توسعه و تکامل فرهنگی مطلوب و مقدر نیست (صالحی امیری، ۱۳۹۱). هرچند این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که دستیابی به توسعه فرهنگی به مراتب دشوارتر از توسعه در دیگر بخش‌ها، نظیر توسعه اقتصادی و سیاسی است. توسعه فرهنگی از فرایندهایی است که هرگز نمی‌توان آن را به شکل سطحی و کوتاه‌مدت در جامعه مطرح کرد؛ زیرا این مقوله به زیرساخت‌های محکم و مداوم فکری نیاز دارد. در حقیقت توسعه فرهنگی زمانی در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که ذهنیت افراد آن جامعه متحول شده و همگان به امکانات فرهنگی موجود در جامعه به شکل یکسان دسترسی داشته باشند (کریم‌زاد، ۱۳۹۳). در همین راستا این پژوهش نیز با اعتقاد راسخ به توسعه برابر و ضرورت دسترسی یکسان آحاد جامعه به فرصت‌ها و امکانات فرهنگی درصدد برآمده است تا با تبیین میزان توسعه فرهنگی در استان بوشهر، کیفیت توسعه در مناطق مختلف استان را مورد سنجش و زوایای پنهان فرا روی برنامه‌ریزان و مسئولین را جهت رفع محرومیت‌ها و عدم دسترسی‌ها روشن و مبرهن سازد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر بر اساس هدف بنیادی و نوع روش به‌کاررفته در آن توصیفی-تحلیلی است که طی آن تبیین میزان توسعه فرهنگی شهرستان‌های استان بوشهر (تعداد ۹ شهرستان به‌عنوان جامعه آماری) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. جهت تحلیل میزان توسعه‌یافتگی استان در بخش فرهنگی، ۲۴ مؤلفه (نسبت سینما به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، گنجایش سینما به ازای جمعیت شهرستان، تعداد اکران فیلم به ازای جمعیت شهرستان، تعداد سالن نمایش به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، گنجایش سالن به ازای جمعیت شهرستان، تعداد برنامه تئاتر به ازای جمعیت شهرستان، تعداد برنامه موسیقی به ازای جمعیت شهرستان، تعداد اجرای موسیقی به ازای جمعیت شهرستان، تعداد تماشاگر موسیقی به ازای جمعیت شهرستان، تعداد نمایشگاه کتاب به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد سایر نمایشگاه‌ها به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد بازدید نمایشگاه کتاب به ازای جمعیت شهرستان، تعداد بازدید سایر نمایشگاه‌ها به ازای جمعیت شهرستان، تعداد کتابخانه عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد کتابخانه کانون پرورش فکری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد کتاب کتابخانه عمومی به ازای جمعیت شهرستان، تعداد کتاب کتابخانه مؤسسات آموزش عالی به ازای جمعیت شهرستان، تعداد اعضا کتابخانه عمومی به ازای جمعیت شهرستان، تعداد اعضا کتابخانه کانون پرورش فکری به ازای جمعیت شهرستان، تعداد مراجعه کتابخانه عمومی به ازای جمعیت شهرستان، تعداد مراجعه کتابخانه کانون پرورش فکری به ازای جمعیت شهرستان، تعداد چاپخانه تحت نظارت ارشاد به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت) تحت عنوان شاخص‌های فرهنگی از داده‌های رسمی آمارنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استخراج و سپس جهت تحلیل از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه^۲ بهره‌گیری شد. یکی از رایج‌ترین سیستم‌های تصمیم‌گیری، مدل‌هایی است که توسط مؤلفینی همچون: هوانگ و یون^۳ و زیمرمن^۴ به‌اختصار تصمیم‌گیری چند شاخصه نام‌گذاری شده است. این مدل‌ها که زیرمجموعه مدل‌های گسسته (محمدمرادی و اخترکاون، ۱۳۸۸) قرار دارد به تصمیمات خاصی مانند ارزیابی، اولویت‌گذاری و یا انتخاب از بین گزینه‌های موجود اطلاق می‌گردد (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱) که کاربرد گسترده‌ای برای تعیین بهترین جواب از میان چندین گزینه با

1 Talket Parsons
2 MADAM
3 Whang & Yoon
4 Zimmerman

چندین معیار یا شاخص را داراست. به گون‌هایی که با محاسبه گزینه‌ها و رتبه‌بندی مطلوبیت‌ها، بهترین جواب در یک مسئله تصمیم‌گیری چندمعیاره به‌عنوان جواب بهینه در نظر گرفته می‌شود (امیری، ۱۳۸۶: ۱۶۹). روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه اگرچه به دلیل توانایی و قابلیت بالای این روش‌ها در مدل‌سازی مسائل واقعی و سادگی و قابل‌فهم بودن آن‌ها برای اکثر کاربران در زمینه‌های متعدد و مختلف به‌طور وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرند (یوسفی ده‌بیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶)؛ اما با عنایت به اینکه چارچوب روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره از روش ساده گرفته تا روش پیچیده متغیر است و علیرغم بیان طبقه‌بندی پیچیده آن در مقالات متعدد، هنوز هم مشکل انتخاب یک روش صحیح وجود دارد (محمد‌مردادی و اخترکاو، ۱۳۸۸: ۱۱۶) و از سوی دیگر هر یک از روش‌های چند شاخصه با رویکرد و مفروضات خود به مدل‌سازی و حل مسئله تصمیم‌می‌پردازد که طبیعتاً نتایج متفاوتی به دنبال خواهد داشت (زارعی و باقری مقدم، ۱۳۸۶: ۳۲) از همین رو تمامی روش‌های مورد استفاده جهت رتبه‌بندی اگرچه قابل استفاده هستند؛ اما هیچ کدام از آن‌ها بی‌تردید در تعیین رتبه‌بندی نهایی شاخص‌ها نتایج یکسانی ارائه نخواهند داد. بر همین اساس با عنایت به ماهیت روش‌های چند شاخصه، جهت افزایش میزان دقت بررسی و فراهم نمودن زمینه نیل به یک نتیجه‌گیری مطلوب، مطالعه حاضر تلاش دارد تا با بهره‌جستن از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره به‌صورت ترکیبی، با استفاده از مدل‌های تاپسیس^۱، وایکور^۲ و ساو^۳ و درنهایت تلفیق نتایج با یکدیگر، یک رتبه‌بندی قابل دفاع و نزدیک به واقعیت را ارائه نماید.

روش تاپسیس

برای رتبه‌بندی بخش‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) روش‌های مختلفی وجود دارد که الزاماً جواب‌های یکسانی نیز ندارند اما یکی از این روش‌های رتبه‌بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌هاست تکنیک رتبه‌بندی ترجیحات بر اساس شباهتشان به راه‌حل ایده آل است که به‌صورت اختصار با نام تاپسیس شناخته می‌شود (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹). تکنیک تاپسیس یا روش‌های ترجیح بر اساس مشابهت به راه‌حل ایده‌آل^۴ اولین بار توسط هوانگ^۵ و یون^۶ در سال ۱۹۸۱ ارائه شد (هوی^۷ و همکاران، ۲۰۰۸). یکی از کاراترین روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^۸ بوده و الگوریتمی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها بر اساس شباهت‌هایشان محسوب می‌شود که بر اساس یک ماتریس $m \times n$ که دارای m گزینه و n شاخص یا معیار است، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۹۰). مفهوم این مدل انتخاب کوتاه‌ترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل مثبت و دورترین فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی به‌منظور حل مسائلی است که با ضوابط تصمیم‌گیری متعدد روبروست (جدیدی^۹ و همکاران، ۲۰۰۸). در این الگوریتم فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم‌گیری دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهش‌ی‌کنواخت است. به بیان دیگر شاخص‌های مختلف بر اساس مثبت و منفی بودنشان از هم متمایز می‌شوند (هائو^{۱۰}، ۲۰۰۶)؛ یعنی هرچه مقدار یک شاخص مثبت بیشتر باشد دارای مطلوبیت بیشتر و هرچه مقدار یک شاخص منفی بیشتر باشد دارای مطلوبیت کمتری است. روش تصمیم‌گیری چند متغیره تاپسیس که باهدف رتبه‌بندی و تعیین گزینه مطلوب انجام می‌گیرد بین صفر و یک قرار دارد و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده ایده‌آل بودن آن است. الگوریتم تاپسیس طی مراحل زیر به انجام می‌رسد:

الف) تشکیل ماتریس اولیه

پس از مشخص شدن مناطق بنا بر تقسیم‌بندی متعارف و موردنظر و شاخص‌های موردبررسی در مناطق موردنظر می‌توان ماتریس‌هایی را به‌صورت روبرو تعریف نمود:

$$R = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \dots & r_{1m} \\ r_{21} & r_{22} & \dots & r_{2m} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ r_{n1} & r_{n2} & \dots & r_{nm} \end{bmatrix} \quad (1)$$

- 1 Topsis
- 2 Vikor
- 3 Vikor
- 4 Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution
- 5 Hwang
- 6 Yoon
- 7 Hui et,al
- 8 Multi-Attribute Decision Making
- 9 Jadidi et,al
- 10 Hao

(ب) تهیه ماتریس نرمال شده (ماتریس $R.n$)

به دلیل آن که معمولاً مقادیر کمی متعلق به معیارها و شاخص‌ها دارای مقیاس‌های متفاوت هستند، لذا باید اختلاف مقیاس بین شاخص‌ها از بین برود. به همین باید مقادیر متعلق به ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس فرمول زیر به مقادیر نرمال شده تبدیل شوند تا اختلاف مقیاس آن‌ها از بین بروند. ماتریس نرمال شده حاصل از این فرآیند را با حرف $R.n$ نشان می‌دهند.

$$R_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m X_{ij}^2}} \quad (2)$$

$I_i = \{1, \dots, m\}$
 $J_j = \{1, \dots, n\}$

(ج) اعمال وزن به مقادیر ماتریس نرمال (ماتریس V)

جهت از بین بردن واریانس بین شاخص‌های مورداستفاده و هم ارزش کردن مقادیر ماتریس $R.n$ ، وزن‌های مربوط به هر شاخص (W_j) را که ممکن است از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی یا هر روش دیگر به دست آمده باشد را باید به صورت نظیر به نظیر در ستون‌های ماتریس نرمال شده ($R.n$) ضرب کرد. ماتریس به دست آمده از این فرآیند، ماتریس نرمال و وزن دهی شده است که آن را با حرف V نشان می‌دهند. مجموعه اوزان پارامترهای W_j دارای شرایط زیر می‌باشند:

$$\sum_{j=1}^n W_j = 1 \quad (3)$$

$W = \{W_1, W_2, \dots, W_n\}$
 $V_{11} = W_1 R_{11}, \dots, V_{mn} = W_n R_{mn}$

(د) تعیین ایده‌آل‌ترین یا با اولویت‌ترین و کم اولویت‌ترین جواب‌ها

در این مرحله جهت مشخص کردن برترین جواب‌ها و همچنین کم اولویت‌ترین جواب‌ها به ترتیب از ۲ پارامتر A^+ و A^- استفاده می‌شود. نحوه به‌به دست آوردن این پارامتر به شرح زیر است:

$$J = \{1, 2, 3, \dots, n\} \text{ متعلق به مجموعه‌ای است که شاخص‌های آن مثبت است}$$

$$J^- = \{1, 2, 3, \dots, n\} \text{ متعلق به مجموعه‌ای است که شاخص‌های آن منفی است}$$

$$A^+ = \{Max V_{ij}; j \in J\}; (Min V_{ij^-}; j^- \in J^-); i = \{1, 2, 3, \dots, m\} \quad (4)$$

$$A^- = \{Min V_{ij}; j \in J\}; (Max V_{ij^-}; j^- \in J^-); i = \{1, 2, 3, \dots, m\} \quad (5)$$

(ه) محاسبه فاصله شاخص‌ها

در این مرحله، فاصله اقلیدسی هر گزینه یا مورد با توجه به نوع آن (مثبت یا منفی) با ایده‌آل‌ترین و همچنین یا کم اولویت‌ترین جواب به صورت زیر محاسبه می‌گردد.

$$Si_{Max} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (V_{ij} - V_j^+)^2} \quad (6)$$

Si_{Max} فاصله گزینه i با ایده‌آل‌ترین جواب است

$$Si_{Min} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (V_{ij} - V_j^-)^2} \quad (7)$$

Si_{Min} فاصله گزینه i با کم ایده‌آل‌ترین جواب است.

(و) محاسبه نزدیکی نسبی تا ایده‌آل‌ترین جواب در این مرحله با استفاده از پارامتر C_i میزان نزدیکی نسبی گزینه‌ها با جواب ایده‌آل محاسبه می‌شود.

$$C_i = \frac{Si_{Min}}{(Si_{Max} + Si_{Min})} \quad (8)$$

(ز) مرتب کردن گزینه‌ها برحسب بزرگی مقدار C_i

جهت اولویت‌بندی گزینه‌ها، مقادیر به‌دست‌آمده C_i ، به ترتیب بزرگی اعداد مرتب می‌شوند. بر این اساس، اهمیت و اولویت گزینه‌ها بستگی به بزرگی اعداد آن‌ها داشته و هر گزینه‌ای که بزرگ‌تر باشد، دارای اولویت و اهمیت بیشتری است.

روش وایکور

وایکور یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره توافقی است که بر مبنای روش ال‌پی‌متریک توسعه‌یافته (وی و لین، ۲۰۰۸)^۱ که برای نخستین بار توسط آپریکوویچ^۲ در سال ۱۹۹۸ میلادی و زنگ^۳ در سال ۲۰۰۲ میلادی معرفی گردید (ضرابی و ایزدی، ۱۳۹۲). بر اساس این روش، راه‌حل توافقی تعیین‌کننده راه‌حل‌هایی موجه است که به راه‌حل ایده‌آل نزدیک بوده و در قالب توافق از طریق اعتبارات ویژه تصمیم‌گیرندگان ایجاد شده است (رائو، ۲۰۰۸)^۴ از این‌رو، گزینه‌های نزدیک‌تر به راه‌حل ایده‌آل بر گزینه‌های دورتر از آن ارجحیت دارند. معمولاً معیارها بر اساس چند تابع معیار ارزیابی و سپس، رتبه‌بندی می‌شوند. در این روش، تأکید بر رتبه‌بندی و انتخاب از مجموعه‌ای گزینه و تعیین راه‌حل‌های توافقی برای مسئله با معیارهای متضاد است (چن و ونگ، ۲۰۰۹)^۵. راه‌حل توافقی، گزینه‌ای است که به ایده‌آل ایده‌آل نزدیک‌تر باشد. در این روش، ماتریس تصمیم‌گیری و وزن شاخص‌ها، ورودی سیستم هستند (جیا و همکاران، ۲۰۰۶)^۶ و خروجی نیز به‌صورت رتبه‌بندی گزینه‌ها است. بهره‌گیری از این روش، مستلزم اجرای مراحل است که در ادامه ذکر می‌گردد. این تکنیک طی هفت گام به تحلیل موضوع پژوهش می‌پردازد:

گام اول: تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس m گزینه و n شاخص

تشکیل ماتریس داده‌ها به ابعاد $m \times n$ ، به صورتی که m تعداد سطرهای ماتریس و نشان‌دهنده شهرستان‌های موردبررسی و n ستون‌های آن به تعداد شاخص‌های موردنظر است. شهرستان‌های موردنظر و شاخص‌های هر کدام از آن‌ها به‌صورت زیر تعریف می‌شوند.

(۹)

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & \cdot & \dots & \cdot \\ a_{m1} & a_{m2} & \dots & amn \end{bmatrix} \quad (9)$$

$i=1, 2, 3, \dots, n$
 $j=1, 2, 3, \dots, m$

هرکدام از شهرستان‌ها (m شهرستان) با توجه به تعداد شاخص (n شاخص) معرفی شده‌اند.

گام دوم: استاندارد کردن داده‌ها (رفع اختلاف مقیاس) و تشکیل ماتریس استاندارد

در این گام، به‌منظور حذف تأثیر واحدهای متفاوت و انجام عملیات جبری روی شاخص‌ها، ماتریس داده‌های تشکیل شده در مرحله قبلی استاندارد می‌شود. تشکیل ماتریس استاندارد را می‌توان با استفاده از رابطه (۱۰) و تشکیل ماتریس استاندارد اجرا کرد (۱۱).

$$F_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^n a_{ij}^2}} \quad (10)$$

1 Wei and XiangyiLin
2 Opricovic
3 Tzeng
4 Rao
5 Chen and Wang
6 Xia et.al

$$F_{ij} = \begin{bmatrix} f_{11} & f_{12} & \dots & f_{1n} \\ f_{21} & f_{22} & \dots & f_{2n} \\ \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ f_{m1} & f_{m2} & \dots & f_{mn} \end{bmatrix} \quad (11)$$

گام سوم: تعیین بهترین و بدترین مقدار برای همه توابع معیارها (چن و ونگ، ۲۰۰۹).^۱

اگر تابع معیار نشان‌دهنده سود (مثبت) باشد، بهترین و بدترین مقادیر بر اساس رابطه ۱۲ و ۱۳ محاسبه می‌شود:

$$f_i^* = \max_j f_{ij} \quad (12)$$

$$f_i^- = \min_j f_{ij} \quad (13)$$

و اگر تابع معیار نشان‌دهنده هزینه (منفی) باشد، بهترین و بدترین مقادیر بر اساس رابطه ۱۴ و ۱۵ محاسبه می‌شود:

$$f_i^* = \min_j f_{ij} \quad (14)$$

$$f_i^- = \max_j f_{ij} \quad (15)$$

گام چهارم: تعیین وزن و درجه اهمیت خصوصیات

از آنجائی که معمولاً شاخص‌های مورد استفاده دارای ارزش و اهمیت یکسانی نیستند، لذا برای از بین بردن این تفاوت‌ها می‌بایست به محاسبه وزنی برای شاخص‌های مورد نظر اقدام کرد. به منظور اعمال وزن‌دهی به شاخص‌ها می‌توان از روش‌های متفاوتی همچون روش پنل متخصصین، آنتروپی شانون، برادر ویژه، فرایند تحلیل سلسله مراتبی، تکنیک LINMAP و غیره بهره گرفت (مالچفسکی، ۲۰۰۶).^۲

گام پنجم: محاسبه فاصله گزینه‌ها از راه‌حل ایده‌آل و غیر ایده‌آل

در این مرحله، فاصله هر گزینه از راه‌حل ایده‌آل مثبت محاسبه می‌شود و سپس، محاسبه تجمیع آن بر اساس رابطه‌های زیر صورت می‌گیرد (چانگ و سو، ۲۰۰۹).^۳

$$S_j = \sum_{i=1}^n \frac{w_i (f_{ij}^* - f_{ij}^-)}{f_{ij}^* - f_{ij}^-} \quad (16)$$

$$R_j = \max_j \left[\frac{w_i (f_{ij}^* - f_{ij}^-)}{f_{ij}^* - f_{ij}^-} \right] \quad (17)$$

که در آن، S_j فاصله از گزینه i نسبت به راه‌حل ایده‌آل (ترکیب بهترین) و R_j فاصله گزینه i از راه‌حل ایده‌آل منفی (ترکیب بدترین) است.

گام ششم: محاسبه مقدار Q_i وایکور برای $m, \dots, 2, 1; i$

مقدار Q_i از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_i = v \left[\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*} \right] + (1-v) \left[\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*} \right] \quad (18)$$

که در آن:

$$S^* = \min_j S_j \text{ و } S^- = \max_j S_j$$

$$R^* = \min_j R_j \text{ و } R^- = \max_j R_j$$

و ν وزن استراتژی (اکثریت معیارها) یا حداکثر مطلوبیت گروهی است. $\left[\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*} \right]$ میزان فاصله از راه حل ایده آل مثبت گزینه i ام را

نشان می دهد. به عبارتی $\left[\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*} \right]$ نشان دهنده فاصله از راه حل ایده آل منفی برای گزینه i ام است. هنگامی که مقدار ν بزرگ تر از

$0/5$ باشد، شاخص Q_i منجر به اکثریت موافق و هنگامی که مقدار آن کمتر از $0/5$ می شود شاخص Q_i بیانگر نگرش منفی اکثریت است. به طوری که وقتی مقدار ν برابر $0/5$ باشد، بیانگر نگرش توافقی متخصصان ارزیابی است (چو و همکاران، ۲۰۰۷)؛ گام هفتم: رتبه بندی گزینه ها بر اساس مقادیر Q_i ؛

بر اساس مقادیر Q_i گزینه ها که در مرحله ششم محاسبه شد، می توان به رتبه بندی گزینه ها پرداخت. مقدار Q_i بین صفر تا یک نوسان دارد و هنگامی که Q_i برابر صفر باشد، نشان دهنده بالاترین رتبه و در غیر این صورت برابر با یک باشد، کمترین رتبه را نشان می دهد. نکته شایان ذکر در رتبه بندی نهایی گزینه ها، این است که باید مقادیر S_j, R_j, Q_j به صورت نزولی مرتب شوند و بر این اساس، گزینه ای که از کمترین مقدار برخوردار باشد، بهترین گزینه محسوب گردد. در این میان در رتبه بندی، در صورتی که دو شرط زیر برقرار باشد، به عنوان بهترین جواب سازشی انتخاب می شود:

الف: شرط مزیت قابل قبول

$$Q(A_2) - Q(A_1) \geq \frac{1}{m-1} \quad (19)$$

که A_2 بهترین گزینه دوم در رتبه بندی به وسیله شاخص Q ، A_1 بهترین گزینه با کمترین مقدار برای Q و n تعداد گزینه های موجود است.

ب: شرط ثبات قابل قبول در تصمیم گیری

گزینه A_1 باید در S یا R نیز دارای بهترین رتبه باشد. این جواب سازشی در فرآیند تصمیم گیری پایدار است. اگر یکی از شروط بالا برقرار نشود، آنگاه یک مجموعه جواب های سازشی به صورت زیر پیشنهاد می شود:

۱. اگر تنها شرط دوم برقرار نشود، گزینه های A_1 و A_2 .

۲. اگر شرط اول برقرار نشود، گزینه های A_1, A_2, \dots, A_n که A_n گزینه ای است در موقعیت n ام که $Q(A_2) - Q(A_1) < \frac{1}{m-1}$ در مورد آن صادق است (توکلی مقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷).

روش ساو

روش SAW یکی از قدیمی ترین روش های به کارگیری شده در چند شاخصه است؛ به طوری که با مفروض بودن بردار W (اوزان اهمیت از شاخص ها) برای آن، مناسب ترین گزینه به صورت فرمول زیر محاسبه می گردد (یوسفی ده بیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳).

$$A^* = A_i \left| \frac{\sum_j w_j r_{ij}}{\sum_j w_j} \right. \quad (20)$$

یافته ها

یافته ها توصیفی نشان می دهد از میان ۷ سینمای موجود در استان، شهرستان بوشهر با ۵ سینما دارای بیشترین تعداد است. این در حالی است که ۶ شهرستان فاقد سینما بوده اند. بیشترین گنجایش سینما نیز متعلق به شهرستان بوشهر با ۱۴۴۰ نفر بوده است و گنجایش سینماهای کنگان و جم هر کدام ۲۸۰ نفر بوده است. بیشترین تعداد اکران فیلم نیز متعلق به شهرستان بوشهر با ۲۰۰ هزار اکران بوده است و شهرستان های کنگان با ۱۱۰ هزار و جم با ۹۵ هزار در رده های بعدی قرار داشته اند. یافته ها همچنین نشان می دهد تمام

شهرستان‌های استان به‌جز شهرستان دیلم دارای سالن نمایش هستند و در این میان شهرستان دیر با ۶۸۰ نفر گنجایش، بیشترین تعداد را در خود جای داده است. از میان تعداد برنامه‌های تئاتر نیز شهرستان بوشهر با ۳۵ برنامه و شهرستان‌های کنگان و جم با ۶ برنامه، دارای بیشترین و کمترین تعداد برنامه تئاتر در استان بوده‌اند. بیشترین تعداد تماشاگر تئاتر نیز متعلق به شهرستان بوشهر و کمترین آن به شهرستان دیلم اختصاص داشته است. آمار تعداد برنامه‌های موسیقی نیز نشان می‌دهد شهرستان بوشهر با ۲۷ برنامه موسیقی دارای بیشترین تعداد و شهرستان تنگستان با ۵ برنامه دارای کمترین تعداد برنامه موسیقی در استان بوده است. بیشترین اجرای موسیقی و بیشترین تماشاگر موسیقی نیز به شهرستان بوشهر و کمترین برنامه اجرای موسیقی و کمترین میزان تماشاگر موسیقی نیز به شهرستان جم اختصاص داشته است. در تعداد برگزاری نمایشگاه کتاب، بیشترین تعداد نمایشگاه در شهرستان بوشهر و کمترین آن در شهرستان‌های کنگان و جم دایر بوده است. بیشترین بازدیدکننده از نمایشگاه‌های کتاب نیز با ۷۴ هزار نفر در شهرستان بوشهر و کمترین بازدیدکننده نیز با ۲ هزار نفر در شهرستان جم بوده است. در برگزاری سایر نمایشگاه‌ها بیشترین تعداد متعلق به شهرستان‌ها کنگان و دشتستان با ۱۱ نمایشگاه بوده است و کمترین برگزاری نمایشگاه در شهرستان جم با ۲ نمایشگاه بوده است. همچنین بیشترین بازدیدکننده از این نمایشگاه‌ها نیز متعلق به شهرستان بوشهر با ۲۰ هزار نفر و کمترین بازدیدکننده متعلق به شهرستان جم با ۱۸۰۰ نفر بوده است. طبق نتایج به‌دست‌آمده شهرستان دشتستان با ۱۵ باب کتابخانه، دارای بیشترین تعداد کتابخانه و شهرستان‌های جم و کنگان با ۲ باب، کمترین تعداد کتابخانه را در استان دارا می‌باشند. بیشترین تعداد کتاب نیز در کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات آموزش عالی در شهرستان بوشهر با قریب به ۸۳ هزار جلد و کمترین میزان کتاب نیز با ۱۵ هزار جلد در شهرستان جم موجود بوده است. بیشترین تعداد اعضای کتابخانه نیز متعلق به شهرستان دشتستان با قریب ۶ هزار عضو و کمترین آن متعلق به شهرستان دیلم با ۷۰۰ نفر عضو بوده است. در میان مراجعات به کتابخانه‌های استان، بیشترین تعداد مراجعات مربوط به کتابخانه‌های شهرستان بوشهر و کمترین تعداد مراجعه مربوط به شهرستان‌های دیلم و جم بوده است. از ۱۰ چاپخانه تحت نظارت اداره ارشاد در استان نیز، شهرستان بوشهر با ۵ چاپخانه بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است درحالی‌که شهرستان‌های تنگستان، دشتی، دیر و دیلم فاقد چاپخانه بوده‌اند. در اولین گام تحلیل‌های استنباطی ماتریس تصمیم‌گیری تشکیل می‌گردد. به همین منظور جهت آغاز فرایند تحلیل داده‌ها، ماتریس تصمیم‌گیری (متشکل از شاخص‌ها و مناطق مورد مطالعه) تشکیل می‌گردد (جدول ۱).

جدول ۱- تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری جهت انجام محاسبات

شهرستان	بوشهر	تنگستان	دشتستان	دشتی	دیر	دیلم	کنگان	گناوه	جم
تعداد سینما	۰/۲۲۲	۰/۰۴۴	.	۰/۰۴۴
گنجایش سینما	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	.	۰/۰۰۱
تعداد اکران فیلم	۰/۸۸۸	۰/۴۸۸	.	۰/۴۲۲
تعداد سالن نمایش	۰/۰۸۹	۰/۰۸۹	۰/۰۸۹	۰/۰۴۴	۰/۰۸۹	.	۰/۰۴۴	.	.
گنجایش سالن	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	.	۰/۰۰۱	.	۰/۰۰۱
تعداد برنامه تئاتر
تعداد برنامه موسیقی
تعداد اجرای تئاتر
تعداد اجرای موسیقی
تعداد تماشاگر تئاتر	۰/۰۵۴	۰/۰۱۳	۰/۰۲۶	۰/۰۱۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۸	۰/۰۰۹
تعداد تماشاگر موسیقی	۰/۰۶۷	۰/۰۱۱	۰/۰۲۲	۰/۰۱۹	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۰۱۷	۰/۰۱۶	۰/۰۰۶
تعداد نمایشگاه کتاب	۰/۲۲۲	۰/۱۷۸	۰/۱۷۸	۰/۰۸۹	۰/۱۷۸	۰/۲۲۲	۰/۰۴۴	۰/۰۸۹	۰/۰۴۴
تعداد سایر نمایشگاه‌ها	۰/۳۹۹	۰/۳۵۵	۰/۴۸۸	۰/۲۲۲	۰/۱۷۸	۰/۳۹۹	۰/۴۸۸	۰/۱۷۸	۰/۱۳۳
تعداد بازدید نمایشگاه کتاب	۰/۳۲۸	۰/۰۲۲	۰/۰۴۴	۰/۰۲۷	۰/۰۲۹	۰/۰۳۰	۰/۰۱۰	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹
تعداد بازدید سایر نمایشگاه‌ها	۰/۰۸۹	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳	۰/۰۲۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۸
تعداد کتابخانه عمومی	۰/۳۹۹	۰/۳۹۹	۰/۴۸۸	۰/۲۲۲	۰/۱۷۸	۰/۰۸۹	۰/۰۴۴	۰/۱۷۸	۰/۰۴۴
تعداد کتابخانه کانون پرورش فکری	۰/۰۸۹	۰/۰۴۴	۰/۱۷۸	۰/۱۳۳	۰/۰۸۹	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴	۰/۰۸۹	۰/۰۴۴
تعداد کتاب کتابخانه عمومی	۰/۲۸۸	۰/۲۴۷	۰/۳۱۴	۰/۱۳۰	۰/۱۴۷	۰/۰۶۶	۰/۰۴۶	۰/۰۹۷	۰/۰۳۲
تعداد کتاب کتابخانه مؤسسات آموزش عالی	۰/۰۷۹	۰/۰۳۸	۰/۱۱۷	۰/۱۰۲	۰/۰۷۵	۰/۰۴۴	۰/۰۳۰	۰/۰۶۹	۰/۰۳۶
تعداد اعضاء کتابخانه عمومی	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۰/۰۱۸	۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳

شهرستان	بوشهر	تنگستان	دشتستان	دشتی	دیر	دیلم	کنگان	گناوه	جم
تعداد اعضا کتابخانه کانون پرورش فکری	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰	۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱
تعداد مراجعه به کتابخانه عمومی	۰/۰۶۹	۰/۰۱۲	۰/۰۳۵	۰/۰۲۶	۰/۰۳۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۳۷	۰/۰۰۵
تعداد مراجعه به کتابخانه کانون پرورش فکری	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد چاپخانه تحت نظارت ارشاد	۰/۲۲	۰	۰/۰۴	۰	۰	۰	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۰۴

* محاسبات در شاخص‌ها به نسبت جمعیت شهرستان و نسبت به هر ده هزار نفر انجام پذیرفته است.

پس از پالایش داده‌ها و دستیابی به ماتریس تصمیم‌گیری، از آنجا که شاخص‌های مورد استفاده دارای ارزش‌های متفاوتی هستند جهت از بین بردن تفاوت‌ها بایستی نسبت به محاسبه وزنی برای هر یک از شاخص‌های مورد نظر اقدام نمود. قابل ذکر است که برای وزن‌دهی هر معیار، روش‌های متعددی وجود دارد که در این مطالعه، برای وزن‌دهی به هریک از شاخص‌های مورد استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده گردیده است (جدول ۲).

جدول ۲- وزن شاخص‌های مورد استفاده با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی

تعداد چاپخانه تحت نظارت ارشاد	تعداد مراجعه به کتابخانه کانون پرورش فکری	تعداد مراجعه به کتابخانه عمومی	تعداد اعضا کتابخانه عمومی	تعداد کتابخانه موسسات آموزش عالی	تعداد کتاب چاپخانه عمومی	تعداد کتابخانه کانون پرورش فکری	تعداد کتاب چاپخانه عمومی	تعداد بازدید سایر نمایشگاه‌ها	تعداد بازدید نمایشگاه کتاب	تعداد سایر نمایشگاه‌ها	تعداد نمایشگاه کتاب	تعداد تماشاگر موسیقی	تعداد تماشگر تئاتر	تعداد اجرای موسیقی	تعداد اجرای تئاتر	تعداد برنامه موسیقی	تعداد برنامه تئاتر	گنجایش سالن	گنجایش سالن	تعداد سالن نمایش	تعداد اکران فیلم	گنجایش سینما	تعداد سینما
۰/۹۳۱	۰/۸۹۶	۰/۹۶۸	۰/۹۵۸	۰/۸۵۹	۰/۹۴۷	۰/۹۸۴	۰/۸۶۵	۰/۹۱۷	۰/۹۱۲	۰/۹۳۳	۰/۵۸۸	۰/۹۹۱	۰/۹۷۸	۰/۸۶۹	۰/۹۵۷	۰/۹۲۵	۰/۸۴۶	۰/۸۸۴	۰/۸۶۸	۰/۹۷۵	۰/۹۶۹	۰/۹۶۹	

اکنون جهت محاسبه شاخص TOPSIS، پس از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری، با استفاده از روابط تعریف‌شده در بخش مواد و روش‌ها، به ترتیب اقدام به رفع اختلاف بین مقیاس شاخص‌ها و تهیه ماتریس نرمال، تعیین اوزان و سپس راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی و در نهایت محاسبه میزان نزدیکی نسبی گزینه‌ها با جواب ایده‌آل با استفاده از پارامتر C_i گردید که نتیجه محاسبات و رتبه‌بندی نهایی قابل‌رویت است (جدول ۳).

جدول ۳- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بوشهر بر اساس روش تاپسیس

رتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
شهرستان	بوشهر	دشتستان	دیر	گناوه	دشتی	تنگستان	کنگان	جم	دیلم
S_{iMax}	۰/۴۴۸	۲/۷۴۰	۲/۳۴۰	۲/۶۱۰	۲/۶۵۹	۲/۹۳۹	۲/۵۹۶	۲/۵۵۹	۲/۸۵۹
S_{iMin}	۳/۲۴۸	۰/۸۳۱	۱/۴۷۳	۰/۸۳۹	۰/۹۱۶	۰/۳۸۸	۰/۷۴۳	۰/۸۴۰	۰/۴۵۶
C_i	۰/۸۷۹	۰/۳۸۶	۰/۲۵۶	۰/۲۴۷	۰/۲۴۳	۰/۲۳۳	۰/۲۲۳	۰/۱۳۸	۰/۱۱۷

در ادامه جهت محاسبه شاخص VIKOR، پس از طی مراحل ذکر شده در بخش مواد و روش‌ها (تشکیل ماتریس داده‌های، رفع اختلاف مقیاس و تشکیل ماتریس استاندارد، تعیین بهترین و بدترین توابع، تعیین اوزان، محاسبه فاصله گزینه‌ها از راه‌حل ایده‌آل و غیرایده‌آل) مقدار Q_i برای شهرستان‌ها جهت تعیین میزان برخورداری آن‌ها محاسبه گردید (جدول ۴).

جدول ۴- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بوشهر بر اساس روش وایکور

رتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
شهرستان	بوشهر	دشتستان	دشتی	گناوه	دیر	تنگستان	کنگان	دیلم	جم
S	۱/۴۰	۹/۱۱	۱۴/۲۰	۱۴/۲۳	۱۴/۴۸	۱۵/۴۸	۱۵/۸۸	۱۷/۶۲	۱۸/۴۸
R	۰/۶۶۰	۰/۹۸۰	۰/۹۸۰	۰/۹۸۰	۰/۹۸۰	۰/۹۸۰	۰/۹۸۰	۰/۹۹۰	۰/۹۹۰
Q	۰/۰	۰/۷۰	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۹۹

در نهایت با استفاده از روش SAW، میزان برخورداری هر یک از شهرستان‌ها، با عنایت به رابطه شماره (۲۰) محاسبه و نتایج برحسب مقدار A^* رتبه‌بندی گردیدند (جدول ۵).

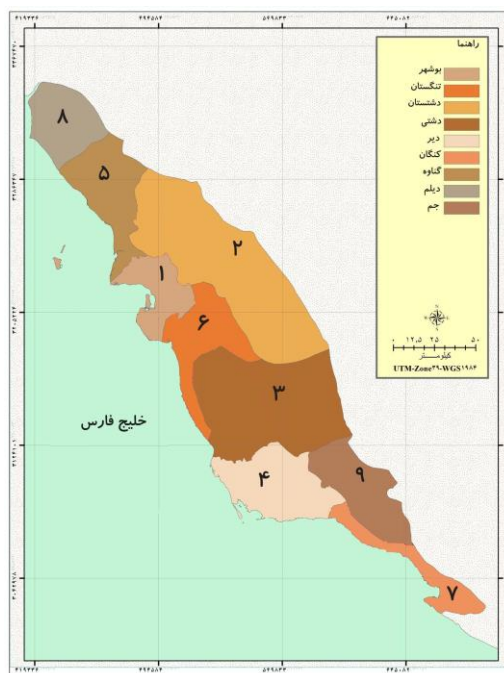
جدول ۵- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان بوشهر بر اساس روش ساو

رتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
شهرستان	بوشهر	دشتستان	کنگان	تنگستان	دشتی	دیر	گناوه	دیلم	جم
A^*	۳/۱۷	۱/۸۴	۱/۲۶	۱/۲۵	۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۸۵	۰/۸۰	۰/۷۹

همان‌گونه که یافته‌ها نشان داد با توجه به روش‌های به کار گرفته‌شده، نتایج مختلفی در هر سه روش حاصل گردید. از همین رو به‌منظور دستیابی به رتبه نهایی هر شهرستان، از تکنیک ادغام استفاده گردید. به همین منظور نتایج به‌دست‌آمده از هر سه روش را باهم ادغام نموده تا برترین و بهترین رتبه‌بندی حاصل گردد؛ شایان‌ذکر است جهت ادغام نتایج حاصل از رتبه‌بندی‌های مختلف، روش‌های متعددی وجود دارد که در این بررسی از روش میانگین رتبه‌ها استفاده گردید. بر این اساس به‌منظور دستیابی و شناخت بهتر از وضعیت توسعه شهرستان‌های مورد مطالعه و تعیین اولویت توسعه در نواحی با بهره‌گیری از رتبه ترکیبی، گزینه‌ها بر اساس میانگین رتبه‌های به‌دست‌آمده از روش‌های تاپسیس، وایکور و ساو اولویت‌بندی گردیدند (نسترن و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱). همان‌طور که هر دو در جدول ۶ و تصویر ۱ قابل مشاهده است، ارزیابی کلی حاصل از سنجش سطح توسعه فرهنگی در شهرستان‌های استان بوشهر حاکی از آن است که شهرستان‌های بوشهر و دشتستان به لحاظ توسعه‌یافتگی از وضعیت مطلوب‌تری در دسترسی به مؤلفه‌های فرهنگی برخوردار هستند و شهرستان‌های جم و دیلم نیز به لحاظ دسترسی به شاخص‌های توسعه در پایین‌ترین سطح قرار داشته و از محرومیت شدید رنج می‌برند.

جدول ۶- رتبه‌بندی ترکیبی شهرستان‌های استان بوشهر به لحاظ توسعه فرهنگی

شهرستان	بوشهر	دشتستان	دیر	گناوه	دشتی	تنگستان	کنگان	جم	دیلم
TOPSIS	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
VIKOR	۱	۲	۵	۴	۳	۶	۷	۹	۸
SAW	۱	۲	۶	۷	۵	۴	۳	۹	۸
میانگین رتبه	۱	۲	۴/۶۶	۵	۴/۳۳	۵/۳۳	۵/۶۶	۸/۶۶	۸/۳۳
رتبه نهایی	۱	۲	۴	۵	۳	۶	۷	۹	۸



تصویر ۱- رتبه نهایی شهرستان‌های استان بوشهر به لحاظ توسعه فرهنگی

بحث و نتیجه گیری

در طول دهه گذشته گرایش نوینی در مطالعه فرهنگ به وجود آمده که آن‌ها از چهارچوب رشته‌ای خاص خارج و به‌طور مستقل موضوع شناخت قرار می‌دهد. طرفداران این گرایش معتقدند که نتیجه این فعالیت توسعه قلمرویی بوده است که با نگاه تازه‌ای ماهیت فرهنگ‌های انسانی را مورد توجه قرار داده است.

آن‌چنان‌که ریموند ویلیامز^۱ معتقد است که در حوزه‌ای بیرون از علوم طبیعی، فرهنگ به‌طور کلی در معانی متفاوتی به‌کاررفته است: از جمله به معنای هنرها و فعالیت‌های هنری و همچنین فرآیند توسعه.

بارکر^۲ نیز اشاره می‌کند که مطالعات فرهنگی به‌عنوان یک رشته دارای هویت خاص، به‌اندازه هر رشته دیگری جنبه سیاسی دارد و یکی از مطالعات فرهنگی سیاست‌گذاری است (سمیع‌پور، ۱۳۹۰ به نقل از محسنی‌تبریزی)

بر همین اساس مبرهن و واضح است در عصری که جامعه انسانی یک جامعه فرهنگی تلقی می‌گردد و تمام کشورها جهت توسعه توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی خود عزم راسخ دارند، به نظر می‌رسد برنامه‌ریزان و متولیان امر توسعه در کشور بایستی بااهمیت و دقت نظر بیشتری مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی را مورد عنایت قرار دهند؛ چراکه توسعه حقیقی در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که اساس آن فرهنگی است و دولتمردان آن به ایجاد توسعه فرهنگی به‌عنوان الزام توسعه ملی باور دارند؛ بنابراین آنچه مسلم است این است که فرهنگ جزء جدایی‌ناپذیر توسعه تلقی می‌گردد که نقش غیرقابل‌انکاری در تکامل توسعه هر کشور ایفا نموده و می‌تواند زمینه تقویت بنیه سیاسی- اقتصادی یک کشور را نیز فراهم آورد. از همین رو رابطه عمیق و معنادار دو مقوله فرهنگ و توسعه که به‌نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند، ضرورت توجه و نگاه ویژه به ابعاد توسعه فرهنگی را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

اگرچه پس از تأکید ویژه سازمان ملل متحد بر اهمیت نقش فرهنگ در توسعه (با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی به‌عنوان بنیان توسعه طی دهه ۱۹۹۶-۱۹۸۶ میلادی و نام‌گذاری این دهه با عنوان دهه جهانی توسعه فرهنگی)، در کشور ما نیز نگاه‌ها به سمت مؤلفه‌های فرهنگی و اولویت دادن به توسعه فرهنگی معطوف گردید اما چه سود که سیاست‌ها و عملکردهای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نه‌تنها یک توسعه همگون فرهنگی در سطح کشور پدید نیامورد بلکه منجر به خلق مناطق محروم و عدم تعادل در توسعه فرهنگی کشور گردید. تا جایی که همچنان این شکاف رو به افزایش است و مادامی که برخی مناطق تحت شرایط خاصی همچنان در حال رشد و ترقی به سر می‌برند، برخی دیگر با محرومیت دست‌به‌گریبان هستند. به‌عنوان نمونه استان‌هایی همچون تهران، خراسان رضوی، اصفهان، تبریز و فارس به لحاظ بهره‌مندی از زیرساخت‌های خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مقایسه با سایر استان‌ها، از نظر توسعه فرهنگی در حال رشد و در نقطه مقابل استان‌هایی همچون: کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، کرمانشاه، ایلام، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، به دلیل فاصله با مرکز و انزوای جغرافیایی از توسعه فرهنگی به‌دورمانده‌اند. اگرچه علت این مسئله را باید در الگوهای رایج حاکم بر نظام برنامه‌ریزی کشور و به‌کارگیری الگوهای ناصحیح عاریتی و غیربومی جست‌وجو نمود اما نکته قابل‌تأمل و حائز اهمیت وقتی است که به‌وضوح مشاهده می‌شود. این ناهمگونی و عدم توازن به داخل استان‌ها نیز رسوخ یافته است و منجر به پیدایش یک رابطه مرکز- پیرامون و پیامد آن برهم خوردن تعادل در سطح استان و محرومیت برخی شهرستان‌ها گردیده است. در همین راستا نتایج حاصل از بررسی مؤلفه‌های فرهنگی توسعه در استان بوشهر نیز از حاکمیت یک الگوی مرکز- پیرامون در استان و وجود یک ساختار دوگانه حکایت می‌کند. به‌طوری‌که نتایج این بررسی نشان از وجود یک شکاف عمیق منطق‌هایی در بهره‌مندی از خدمات فرهنگی توسعه در استان بوشهر دارد که طی آن منجر به تمرکز خدمات و امکانات فرهنگی به‌صورت قطبی در برخی مناطق استان همچون بوشهر و دشتستان گردیده است. به‌طوری‌که مادامی که تمرکز خدمات فرهنگی در برخی مناطق مسلط زمینه توسعه‌یافتگی برخی شهرستان‌ها را فراهم نموده، از سوی دیگر موجبات محرومیت و عقب‌ماندگی شهرستان‌های دیگری همچون جم و دیلم را نیز فراهم آورده است.

در همین راستا مطالعات جامعه‌شناختی حوزه فرهنگی این نابرابری‌ها را طبیعی می‌داند و تأیید می‌کند. به‌طوری‌که هال^۳ و همکارانش در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی فرهنگ معتقدند که در تولید و توزیع اجتماعی فرهنگ، محصولات فرهنگی در دسترس مردم، به‌گونه‌ای که در زندگی اجتماعی مشارکت دارند به طرز گوناگونی میان افرادی که در نقاط اجتماعی مختلف قرار دادند، توزیع می‌شود.

1 Williams
2 Barker
3 Hall

براساس نظریه ویلیام آگبورن^۱ فرهنگ دارای دو جنبه مادی و غیرمادی است که به نظر می‌رسد جنبه مادی در مقایسه با جنبه غیرمادی از سرعت پیشرفت بالاتری برخوردار باشد. او معتقد است که تحولات سریع عصر ما سازش و تطابق اجتماعی را دشوار کرده است. این واقعیت ناظر به حالت‌های تطابق انسان با فرهنگ و هماهنگی و سازش میان قسمت‌های مختلف یک فرهنگ است؛ چراکه کلیه اجزا یک فرهنگ باهم تغییر نمی‌کنند، برخی از عناصر فرهنگی سریع‌تر از دیگر جنبه‌ها پیش می‌رود و بقیه رشد کمتری دارد (سمیع‌پور، ۱۳۹۰ به نقل از محسنی‌تبریزی) از همین رو به نظر می‌رسد همان‌گونه که عناصر مختلف فرهنگ از درجات متفاوتی از تغییرپذیری برخوردارند مناطق نیز با توجه به ساخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود درجه متفاوتی از توسعه را تجربه می‌کنند.

مکتب اشاعه نیز به‌عنوان یکی از مکاتب مطرح که در زمینه جامعه‌شناسی فرهنگی و توسعه مطالعات فرهنگی به این نظر است که تحول فرهنگ نتیجه فرآیندهایی است که در طول صدها و بلکه هزاران سال تداوم داشته است و در این تحول، سرعت تغییر همیشه یکسان نبوده است. گاهی تحول سریع بوده است و گاهی کند و گاهی به‌سوی افول. بر این اساس اشاعه یکی از فرآیندهای تحول فرهنگی است و یکی از علل بسیار سریع اشاعه در جامعه‌های معاصر توسعه بی‌سابقه وسایل ارتباطی و رسانه‌ها است (سمیع‌پور، ۱۳۹۰ به نقل از محسنی‌تبریزی). همچنین این مکتب که با توجه به نظریه پخش و اشاعه هاگراستراند^۲ شکل گرفته است، معتقد است: گسترش پاره‌ای الگوهای فرهنگی از مناطق توسعه‌یافته به مناطق کمتر توسعه‌یافته حاصل می‌شود و تراوش از بخش مدرن به بخش سنتی صورت می‌گیرد. همچنین بخش سنتی به دلیل کمبود سرمایه، تفکرات سنتی و پایین بودن سطح سواد توسعه را محدود می‌کند. بدین ترتیب این مکتب قائل به‌نوعی انحصار است و بر انتشار الگوهای فرهنگی از مرکز به پیرامون تأکید می‌نماید (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷). همچنان که نشر و توسعه الگوهای فرهنگی از شهرستان‌های مرکزی و کلیدی استان همانند بوشهر و دشتستان به سمت شهرستان‌های پیرامونی همچون جم و کنگان از نمود بارز و عینی این نظریه به شمار می‌آید.

هرچند نظریات و مطالعات جامعه‌شناختی فرهنگ مؤید این نابرابری است اما از منظر توسعه جغرافیایی و تعادل منطق‌هایی باید صراحتاً عنوان نمود که تبیین توسعه فرهنگی در استان بوشهر نمونه مشهودی از به‌کارگیری برنامه‌ریزی بخشی و تأکید ویژه بر تمرکزگرایی در تخصیص منابع و امکانات فرهنگی در مناطق برخوردار است، به‌طور بارزی پراکندگی توسعه و نابرابری توسعه فرهنگی در استان بوشهر را به نمایش می‌گذارد. در تفسیر و توجیه پیدایش این شکاف باید عنوان کرد که متأسفانه عدم اجرای سیاست‌گذاری‌های دقیق در زمینه توسعه فرهنگی و اتخاذ طرح‌های توسعه پایین به بالا توسط متولیان امر اصلی‌ترین دلیل وقوع این امر بوده است که با توجه نقش انکارناپذیر حوزه‌های فرهنگی در تحقق توسعه پایدار ملی، می‌بایست بازنگری وضع موجود در راستای آمایش ملی و منطق‌هایی و توسعه فرهنگی به‌عنوان دستور کار در نظر گرفته‌شده، مدیریت و اجرا گردد تا همه مناطق از توسعه متوازن و متعادل بهره‌مند گردند. در پایان جهت دستیابی به توسعه فرهنگی مطلوب و تحقق رفاه نسبی در مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم استان بوشهر، پیشنهادهای ذیل نیز ارائه می‌گردد:

- تهیه و تدوین سند جامع و راهبردی توسعه فرهنگی استان.
- تشکیل کارگروه‌ها و کمیته‌های تخصصی جهت آسیب‌شناسی دقیق توسعه فرهنگی در استان.
- اتخاذ راهبردها و سیاست‌های واقع‌گرایانه جهت دستیابی به توسعه فرهنگی مطلوب با تأکید بر برنامه‌ریزی‌های محلی و متناسب با امکانات و ظرفیت‌های هر شهرستان.
- تلاش برای ارتقاء سطح توسعه فرهنگی در استان به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته (از طریق افزایش امکانات فرهنگی، تسهیل دسترسی به خدمات فرهنگی و گسترش هر چه بیشتر فعالیت‌های فرهنگی همانند: برگزاری جشنواره‌ها، تأسیس واحدهای تئاتر، موسیقی، سینما، کتابخانه‌ها و کانون‌های پرورش فکری علی‌الخصوص در شهرستان‌های با توسعه متوسط و محروم).
- بهره‌گیری از ظرفیت بالای بخش خصوصی، جهت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی استان.
- تخصیص منابع و تأمین اعتبار به‌صورت ویژه جهت توسعه و ارتقاء شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان.
- تعیین جایگاه دقیق هر یک از سازمان‌ها در توسعه فرهنگی استان و تشریح حدود، وظایف و دامنه فعالیتشان جهت پرهیز از هرگونه موازی‌کاری.
- ضرورت ایجاد تغییر در وضعیت فعلی و تحول بنیادین در ساختار، مدیریت و نظام برنامه‌ریزی فرهنگی در سطح استان.

- برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح توسعه فرهنگی در مناطق محروم با رویکرد گسترش برنامه‌های فرهنگی در شهرها و روستاها (از طریق به‌کارگیری نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و فضاهای مجازی).

- توجه ویژه به ارزش‌های فرهنگی استان، بازسازی و حفظ خرده‌فرهنگ‌های شهرستان‌ها از طریق به‌کارگیری فرهنگ سنتی و بومی در تولید فعالیت‌های مختلف (از قبیل تئاتر، موسیقی، جشنواره‌ها و ...).

- انجام تحقیقات و پژوهش‌های کاربردی بیشتر در راستای تعیین ضعف‌ها و تهدیدهای توسعه فرهنگی در استان و مشخص نمودن راهبردهای توسعه فرهنگی.

بررسی حاضر همچنین معتقد است آمایش فرهنگی جز در سایه تمرکززدایی، به‌کارگیری ظرفیت‌های جدید، سیاست‌گذاری‌های نوین فرهنگی- اجتماعی و اتخاذ راهبرد عدالت اجتماعی در تخصیص هدفمند خدمات در قالب طراحی نقشه مهندسی فرهنگی استان محقق نخواهد گردید. پس بایستی توجه خاص به شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی مناطق استان، تجدیدنظر در وضعیت موجود و برنامه‌ریزی فضایی جهت افزایش کمی و کیفی منابع در شهرستان‌ها در دستور کار متولیان امر قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

از زحمات سرکار خانم مهندس سمانه جهانی که در تدوین و انجام مراحل آماری این اثر پژوهشی اهتمام ورزیدند صمیمانه تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

منابع

- آذر، ع.، و رجب‌زاده، ع. (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری کاربردی (رویکرد MADAM). تهران: نگاه دانش، چاپ چهارم.
- اسمیت، ف. (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه فرهنگی. ترجمه: حسن پویان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- امیری، م. (۱۳۸۶). تصمیم‌گیری گروهی برای انتخاب ابزار ماشین با استفاده از روش وایکورفازی. فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی، ۱۶، ۶.
- بابایی‌فرد، آ. (۱۳۹۰). توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۳۷، ۱۰.
- پاپلی‌یزدی، م.، و ابراهیمی، م. (۱۳۸۷). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت.
- تقوایی، م.، و نوروزی آوارگانی، آ. (۱۳۸۶). تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی دهستان‌های استان چهارمحال و بختیاری. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۲۴، ۳.
- توکلی‌مقدم، ر.، نجفی، آ.، و یزدانی، م. (۱۳۹۱). انتخاب مدیر پروژه با به‌کارگیری یک رویکرد ترکیبی دلفی- وایکور فازی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۶، ۴.
- حسینی، ع.، و احمدی، ع. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی نماگرهای توسعه فرهنگی استان هرمزگان با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۴، ۱.
- ریمون، آ. (۱۳۸۷). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه: باقر پرهام. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم.
- زارعی، ب.، و باقری‌مقدم، ن. (۱۳۸۶). به‌کارگیری و مقایسه روش‌های AHP, TOPSIS, ELECTRE در انتقال تکنولوژی تولید ترانسفورماتورهای خشک رزینی، مجله مدیریت صنعتی، ۱، ۱.
- زیاری، ک. (۱۳۷۹). سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران. نامه علوم اجتماعی، ۱۶، ۱۶.
- زیاری، ک.، زنجیزچی، م.، و سرخ‌کمال، ک. (۱۳۸۹). بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی، با استفاده از تکنیک تاپسیس. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۲، ۷۷.
- سزایی، م.، طاوسی‌ان، ع.، الهوردی، م.، و رضایی، ح. (۱۳۹۴). سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵، ۲۰.
- سمیع‌پور، ج. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی فرهنگی. سایت برنامه‌ریزی فرهنگی <http://pcp-89.blogfa.com>.
- صالحی امیری، ر. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس، چاپ اول.
- صالحی امیری، ر. (۱۳۹۱). مدیریت استراتژیک فرهنگی (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات معاونت فرهنگی- اجتماعی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- صفایی‌پور، م.، و شنبه‌پور مادوان، ف. (۱۳۹۵). سطح‌بندی شهرستان‌های استان خوزستان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از روش تحلیل روابط خاکستری. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳، ۸.
- ضرابی، آ.، و ایزدی، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر توسعه منطق‌هایی استان‌های کشور. فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، ۳، ۸.
- عطافر، ع.، و آقاسی، س. (۱۳۹۱). طراحی و ارائه توسعه سنجش مدل فرهنگی شهری بر اساس رویکردهای تفکر هوشمند و ظرفیت‌سازی فرهنگی (مطالعه موردی شهر اصفهان). فصلنامه مطالعات شهری، ۲، ۴.
- قدمی، م.، و آفتاب‌آذری، م. (۱۳۸۹). ارائه الگوی مدیریت توسعه فرهنگی در راستای چشم‌انداز ۱۴۰۴. مجله مدیریت فرهنگی، ۴، ۷.
- کریم‌نژاد، ج. (۱۳۹۳). ظرفیت رسانه‌های محلی در توسعه فرهنگی. مجله اینترنتی نگاه صحیح رسانه، ۲۲ دی‌ماه.
- کلانتری، خ. (۱۳۹۱). مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی). تهران: انتشارات فرهنگ صبا، چاپ اول.
- محمدمرادی، آ.، و اخترکاون، م. (۱۳۸۸). روش‌شناسی مدل‌های تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره، فصلنامه آرمان شهر، ۲، ۲.
- محمدی، ج و ایزدی، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل عاملی، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۴، ۱۶.
- مسعودیان، س. (۱۳۷۲). سیری در مؤلفه‌های فرهنگی جهان. تهران: مرکز پژوهشی کاربردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مشکینی، آ.، و قاسمی، آ. (۱۳۹۱). سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از مدل تاپسیس. فصلنامه برنامه‌ریزی منطق‌هایی، ۲، ۷.
- منتظرالحجه، م.، شریف‌نژاد، م.، و امیدی، آ. (۱۳۹۳). ارزیابی میزان توسعه فرهنگی شهرستان‌های استان یزد از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۲، ۳.
- مهری، ب. (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی: اصول و مبانی. تهران: سمت، چاپ اول.
- نسترن، م.، ابوالحسنی، ف.، و بختیاری، ن. (۱۳۹۴). پراکنش شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی. فصلنامه برنامه‌ریزی منطق‌هایی، ۵، ۱۷.
- وثوقی، م.، آرام، ه.، و سلمانی، گ. (۱۳۹۱). بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳، ۴.
- ویسیان، م.، حسینی، م.، ربانی، ط.، و موحد، ع. (۱۳۹۵). سنجش نابرابری فضایی شاخص‌های فرهنگی بین شهرستانی با استفاده از مدل ویکور (مطالعه موردی: شهرستان‌های کرمانشاه). نشریه مطالعات شهری، ۲، ۳.
- یوسفی‌دهبیدی، ش.، زنجیرانی‌داریوش، م.، و سلیمی‌فرد، خ. (۱۳۹۳). بررسی عملکرد متداول‌ترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه با رویکرد بهینه‌یابی. مجله تحقیق در عملیات و کاربردهای آن، ۱۱، ۴۰.
- Chang, C., & Hsu, C. (2009). Multi-Criteria analysis via the VIKOR method for prioritizing land-use restraint strategies in the Tseng-Wen reservoir watershed. *Journal of Environmental Management*, 90, 11.
- Chen, L. Y., & Wang, T. C. (2009). Optimizing partner's choice in IS/IT out sourcing projects: the strategic decision of fuzzy VIKOR. *International Journal of Production Economics*, 20, 1.
- Hao, L. (2006). Application of Topsis in the bidding evaluation of manufacturing enterprise. China: 5th International Conference on Engineering and Digital Enterprises Technology.
- Hui, Y T., Bao, H. H., & Siou, W. (2008). Combining ANP & TOPSIS Concepts for Evaluation the Performance of Property-Liability Insurance Companies, Science Publications. *Journal of Social Sciences*, 4, 1.
- Jadidi, O., Hong, T., Firouzi, F., Yusuff, R., & Zulkifli, N. (2008). TOPSIS and fuzzy multi-objective model integration for supplier selection problem. *Journal of Achievements in Materials and Manufacturing Engineering*, 31, 2.
- Kong, I. (2007). Cultural Icons and urban Development in Asia: Economic Imperative, National Identify, and Global City Status. *Political Geography*, 26.

- Mommas, H. (2004). Cultural Clusters and the post- industrial City: Towards the Remapping of Urban Cultural policy. *Urban Studies*, 41, 3.
- Rao, R. V. (2008). A decision making methodology for material selection using an improved compromise ranking method. *Materials and Design*, 29, 10.
- UNESCO. (1994). *Cultures and Development: A study*. [On line Available]. Retrieved from <http://www.unesdoc.unesco.org>
- Varbanova, L. (2007). Our creative cities online. In.B.Cvjeticanin. (Ed). *Cultural Transitions in southeastern Europe*. UNESCO Press.
- Wei, J., & Xiangyi, L. (2008). The Multiple Attribute Decision- Making VIKOR Method and Its Application, *Wireless Communications, Networking and Mobile Computing. WICOM '08. 4th International Conference, Chain*.
- Xia, H. C., Li, D. F., Zhou, J. Y., & Wang, J. (2006). M. Fuzzy LINMAP method for Multi-Attribute Decision Making under Fuzzy Environments. *Journal of Computer and System Science*, 72.